

درگذشت (غلام سرور لاهوری، ج ۱، ص ۵۵۲؛ داراشکوه بابر، ص ۷۸). چهار دختر نیز برای او یاد کرده‌اند که یکی از آنان به عقد علاء‌الدین عطار درآمد (واعظ کاشفی، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۱، ۱۶۳). به نوشته معصوم علیشاه (همانجا) خاندانی به نام خواجگان در بخارا، نسب خود را به بهاء‌الدین می‌رسانند.

منابع: صلاح‌بن مبارک بخاری، انیس الطالبین وعدة السالکین، چاپ خلیل ابراهیم صاری اوغلی و توفیق ه. سبحانی، تهران ۱۳۷۱ ش؛ محمد بن سلیمان بغدادی، الحدیقة الندیة فی طریقة النقشبندیة و البهجة الخالدیة، در عبدالمجید بن محمدخانی خالیدی نقشبندی، السعادة الابدیة فیما جاء به النقشبندیة، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱؛ محمد بن محمد پارسا، رساله قدسیه، چاپ ملک محمد اقبال، راولپندی، ۱۳۵۲ ش؛ همان: قدسیه: کلمات بهاء‌الدین نقشبند، چاپ احمد طاهری عراقی، تهران ۱۳۵۲ ش؛ اکبر ثبوت، «حروفیه»، فلق، نشریه دانشجویی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، دفتر ۲؛ عبدالرحمان بن احمد جامی، مثنوی هفت اورنگ، چاپ مرتضی مدرسی گیلانی، تهران [بی‌تا]؛ همو، نقحات الانس، چاپ محمود عابدی، تهران ۱۳۷۰ ش؛ مصطفی بن عبدالله حاجی خلیفه، کشف‌الظنون، چاپ محمد شرف‌الدین یالتقایا و رفعت بیگلر کلیسی، استانبول ۱۹۴۳-۱۹۴۱، چاپ افست تهران ۱۳۸۷/۱۹۶۷؛ عبدالمجید بن محمدخانی خالیدی نقشبندی، انوار القدسیة فی مناقب السادة النقشبندیة، مصر ۱۳۴۴؛ داراشکوه بابر، سفینه الاولیاء، کانپور ۱۳۱۸؛ دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نگارش محمد نفی دانش‌پژوه، ج ۱۲، تهران ۱۳۴۰ ش؛ عبدالحسین زرین‌کوب، ارزش میراث صوفیه، تهران ۱۳۶۹ ش؛ همو، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران ۱۳۶۲ ش؛ شمس‌الدین سامی، قاموس الاعلام، چاپ مهران، استانبول ۱۳۰۶-۱۳۱۶/۱۸۸۹-۱۸۹۸؛ یوسف البیان سرکیس، معجم المطبوعات العربیة و المعربیة، قاهره ۱۹۲۸/۱۳۴۶؛ احمد بن عبدالاحد سرهندی، مکتوبات امام ربانی، استانبول ۱۳۹۷/۱۹۷۷؛ سلامه عزامی، تنویر القلوب فی معامله علام الغیوب، مصر ۱۳۷۲؛ غلام سرور لاهوری، خزینة الاصفیاء، کانپور ۱۳۳۲/۱۹۱۲؛ محمد معصوم بن زین‌العابدین معصوم علیشاه، طرائق الحقایق، چاپ محمدجعفر محبوب، تهران ۱۳۳۹-۱۳۲۵ ش؛ احمد منزوی، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، اسلام‌آباد ۱۳۶۲-۱۳۷۰ ش؛ همو، فهرست نسخه‌های خطی، تهران ۱۳۴۸-۱۳۵۳ ش؛ همو، فهرستواره کتابهای فارسی، تهران ۱۳۷۴ ش - سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران ۱۳۶۳ ش؛ علی بن حسین واعظ کاشفی، رشحات عین الحیات، چاپ علی‌اصغر معینیان، تهران ۱۳۵۶ ش؛ آرمین واسیری، سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه، ترجمه فتحعلی خواجه‌نوریان، تهران ۱۳۶۵ ش؛

Encyclopaedia Iranica, s.v. "Bahā'-Al-Dīn Naqšband (by H. Algar).

/ اکبر ثبوت /

بهاء‌الدین نیلی، ابوالقاسم علی بن عبدالکریم، عالم امامی قرن هشتم. تاریخ تولد و مرگ او دانسته نیست، ولی تا حدود ۸۰۰ زنده و محل تولدش دهکده نیل، نزدیک جلّه بوده است. خاندان او از سادات حسینی و از نسل حسین ذوالدمعه پسر زید و مدتها عهده‌دار منصب نقابت علویان بوده‌اند (قمی، ج ۲، ص ۹۴؛ زرکلی، ج ۵، ص ۱۱۶؛ کحّاله، ج ۷، ص ۱۲۸؛ بغدادی، ایضاح‌المکتون، ج ۱، ستون ۱۳۴؛ یاقوت حموی، ج ۴، ص ۸۶۱؛ برای آگاهی از اختلاف در ضبط سلسله نسب بهاء‌الدین - امین، ج ۸، ص ۲۶۶؛ افندی اصفهانی، ج ۴، ص ۱۲۵؛ برای آگاهی از چگونگی قتل او - نوری، ج ۳، ص ۴۳۵).

شهرت علمی بهاء‌الدین بیشتر در نسب‌شناسی و علوم تفسیر و ادب و عقاید است و به‌نسبیه هم مشهور است. او از شاگردان برجسته فخرالمحققین پسر علامه حلی و معاصر شهید اول بوده است. از شاگردان برجسته او می‌توان از حسن بن سلیمان حلی صاحب مختصر البصائر، حسن بن علی مشهور به ابن العشرة و شیخ جمال‌الدین احمد بن فهد (ابن فهد) حلی نام برد. به نیلی تألیفاتی نسبت داده شده است (- افندی اصفهانی، ج ۴، ص ۱۲۵-۱۲۸؛ امین، ج ۸، ص ۲۶۶-۲۶۷) که در انتساب بعضی از آنها به‌وی اتفاق نظر وجود دارد. این تألیفات عبارت‌اند از: الأنوار الالهیة فی الحکمة الشرعیة (در منابع مختلف با عناوین الأنوارالمضیئة و الأنوارالیهیة) در پنج جلد، که مطالب آن بترتیب درباره کلام بر مبنای عقاید شیعه، ناسخ و منسوخ، فقه آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در دو جلد و اسرار قرآن و داستانهای لطیف است. صاحب معالم از جلد اول این کتاب استفاده کرده است؛ وی دو اثر درباره حدود هشتصد مورد از خطاهای لفظی و معنوی زمخشری نگاشته که از آن با نامهای الجزاف من کلام صاحب‌الکشاف، تبیان انحراف صاحب‌الکشاف و نکات اللطاف تعبیر شده است؛ الدرالنضید فی تعازی الامام الشهید، درباره مقتل و مراثی حضرت امام حسین علیه‌السلام؛ ایضاح‌المصباح؛ کتاب الغیبة؛ و کتاب الرجال (درباره این کتابها - امین، ج ۸، ص ۲۶۶-۲۶۷؛ خوانساری، ج ۴، ص ۳۴۸؛ افندی اصفهانی، ج ۴، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۲، ص ۴۴۲-۴۴۳، ج ۱۲، ص ۱۷۳، ج ۳، ص ۳۳۲؛ بغدادی، هدیة العارفین، ج ۱، ستون ۷۲۶؛ همو، ایضاح‌المکتون، ج ۱، ستون ۱۳۴، ۱۵۷). چهار کتاب از کتابهای او در تألیف بحار، از مدارک علامه مجلسی بوده است (مجلسی، ج ۱، ص ۱۷، ۳۴).

منابع: محمد حسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی‌نفی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ عبدالله بن عیسی افندی اصفهانی، ریاض‌العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد



سیدرضا بهاء‌الدینی

ارائه دستورالعمل معنوی به شاگردان خود می‌کوشید. بدین سبب، وی در حوزه علمیه قم به معلم اخلاق و عرفان نامبردار بود و حتی پاره‌ای کرامات را نیز به او نسبت داده‌اند، تا آنجا که در اسفندماه ۱۳۷۵ سمیناری با عنوان «حوزه و تهذیب اخلاق» برای تجلیل از او در قم برگزار شد. وی در ۲۸

تیر ۱۳۷۶ درگذشت و در حرم حضرت معصومه سلام‌الله علیها در قم به خاک سپرده شد (انصاری، ص ۱۰۵).

تاکنون هیچ‌یک از نوشته‌های پراکنده‌ای که وی درباره نهج‌البلاغه، تفسیر قرآن و تقریرات فقهی برخی استادانش نگاشته (همانجا؛ بهاء‌الدینی، ص ۱۰۹)، منتشر نشده است. اما بخشی از درسهای اخلاقی و برخی مصاحبه‌های او در دو کتاب سلوک معنوی و نردبان آسمان: مجموعه‌ای از درسهای اخلاق فقیه وارسته و عارف فرزانه، حضرت آیه‌الله بهاء‌الدینی (قدس سره) به چاپ رسیده است.

منابع: ناصرالدین انصاری، «در گذشتگان: درگذشت آیت‌الله بهاء‌الدینی»، آینده پژوهش، سال ۸، ش ۲ (خرداد - تیر ۱۳۷۶)؛ سیدرضا بهاء‌الدینی، سلوک معنوی: گفتارها، مصاحبه‌ها و خاطره‌هایی از فقیه وارسته و عارف فرزانه حضرت آیه‌الله بهاء‌الدینی (قدس سره)، چاپ اکبر اسدی، قم ۱۳۷۷ ش.

/ گروه معارف و کلام /

بهاء‌الله - بهائیت

بهاپاد، بخش و شهری در استان یزد.

۱) بخش بهاپاد. در شهرستان بافق در مشرق استان یزد واقع و مشتمل بر سه دهستان است. از قسمتی از شمال به شهرستان طبس در استان خراسان و بخش خرائق در شهرستان اردکان، از مشرق و قسمتی از جنوب به بخش کوهستان/کوه بئان/کوبان در شهرستان زرنده کرمان، و از قسمتی از جنوب و مغرب به بخش مرکزی شهرستان بافق محدود است. در مغرب آن رشته کوههایی در جهت شمال غربی - جنوب شرقی امتداد دارد که در جنوب کوه سیاه (ارتفاع: ۲۴۱۰ متر در شمال ده تقی‌آباد) و دوهله (ارتفاع: ۲۹۸۵ متر در مغرب ده حامی جان) خوانده می‌شود. کوه چاه محمدمو (ارتفاع: ۲۳۰۹ متر)

حینی، قم ۱۴۰۱؛ محسن امین، اعیان‌الشیعه، چاپ حسن امین، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ اسماعیل بغدادی، ایضاح‌المکنون، ج ۱، در حاجی خلیفه، کشف‌الظنون، ج ۳، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛ همو، هدیه‌العارفین، ج ۱، در حاجی خلیفه، کشف‌الظنون، ج ۵، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛ محمدباقر زین‌العابدین خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، چاپ اسدالله اسماعیلیان، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، بیروت [بی‌تا]؛ عباس قمی، کتاب الکتبی و الالتاب، صیدا ۱۳۵۷-۱۳۵۸، چاپ انست قم [بی‌تا]؛ عمرضا کحاله، معجم‌المؤلفین، دمشق ۱۹۵۷-۱۹۶۱، چاپ انست بیروت [بی‌تا]؛ محمد باقر بن محمدتقی مجلسی، بحارالانوار، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک‌الوسائل، چاپ سنگی تهران ۱۳۱۸-۱۳۲۱، چاپ انست تهران ۱۳۸۲-۱۳۸۳؛ یاقوت حموی، معجم‌البلدان، چاپ فردیناند ووستنفلد، لایپزیگ ۱۸۶۶-۱۸۷۲، چاپ انست تهران ۱۹۶۵.

/ محمود مهدوی دامغانی /

بهاء‌الدینی، سیدرضا، فقیه معاصر و معلم اخلاق و عرفان عملی. در نهم فروردین ۱۲۸۷ در قم به دنیا آمد. پدرش سید صفی‌الدین مردی عابد و خادم آستانه حضرت معصومه سلام‌الله علیها بود، انس فراوانی با قرآن داشت و در درس آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (متوفی ۱۳۵۵) و آیت‌الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی (متوفی ۱۳۵۳) شرکت کرده بود (انصاری، ص ۱۰۴؛ بهاء‌الدینی، ص ۱۱۰-۱۱۱). بهاء‌الدینی نیز به تشویق پدر، از کودکی به تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه قم پرداخت و دروس سطح را نزد استادانی چون میرزا محمدعلی ادیب تهرانی، میرزا محمد همدانی، آخوند ملاعلی همدانی (متوفی ۱۳۵۷ ش) و سید صدرالدین صدر (متوفی ۱۳۷۳) آموخت. وی در نوزده سالگی در درس خارج فقه و اصول آیت‌الله حائری حاضر شد و پس از ایشان از جلسات درس سید محمد حجت (متوفی ۱۳۷۲)، سیدمحمدتقی خوانساری (متوفی ۱۳۷۱) و حاج آقا حسین بروجرودی (متوفی ۱۳۴۰ ش) بهره برد و از آن پس، سالها به تدریس دروس عمومی ادبیات، فقه و اصول، و نزدیک به بیست سال به تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم پرداخت (انصاری، ص ۱۰۴-۱۰۵).

بیشترین اشتغال و شهرت آیت‌الله بهاء‌الدینی، بحثها و درسهای اخلاقی عمومی یا خصوصی وی بود که تا روزهای آخر حیاتش ادامه داشت. او هیچگاه در درس رسمی اخلاق شرکت نکرده بود و بیشتر از رفتار و منش استادان خود، بویژه شیخ ابوالقاسم کبیر قمی، بهره‌های اخلاقی برده بود (بهاء‌الدینی، ص ۱۱۴)، اما همواره در تهذیب اخلاق و